



کارنامه - ۳

مبارزه برای حقوق بشر

فیلیپ آلستن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظام بین‌المللی دفاع از حقوق بشر پیشرفتهایی واقعی کرده است
لها هنوز راهی دراز و پیشرفتهای بسیار پیش‌رو است

۱۹۴۷ اعلام کردند که این کمیسیون «هیچگونه قدرتی» در پاسخگویی به موارد نقض حقوق بشر ندارد. و همان‌گونه که یکی از کارمندان عالی‌رتبه سازمان ملل در آن زمان می‌گوید، آیین دادرسی موارد نقض حقوق بشر «پرزرق و برقرترین زباله‌دان جهان است».

در سال ۱۹۴۸، بسیاری از دولتها با صراحت به هرگونه پیشنهادی در زمینه الزام در اجرای مقررات بیانیه جهانی پاسخ رد دادند و در سال ۱۹۵۳، ایالات متحد آمریکا به تمام جهانیان اعلام کرد که هر متنی را که سازمان ملل در زمینه «حقوق بشر» تصویب کند، رعایت نخواهد کرد. جنگ سرد موجب شد تا پیش‌نویس دو معاهده الحاقی به بیانیه جهانی تا سال ۱۹۶۶ به تعویق افتد، و تصویب و اجرای آن به ده سال بعد موکول شد. در این زمان، ۳۵ کشور این دو معاهده را

هنگامی که بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در پاریس (فرانسه) به تصویب رسید، تقریباً تمامی دولتها اعلام کردند که از لحاظ قانونی، تحت هیچ شرایطی مقید و موظف به اجرای این بیانیه نیستند. تنها مواردی از نقض حقوق بشر که در آن زمان محکوم شد، عبارت بود از برده‌داری، کشتار دسته‌جمعی و بی‌شرمانه‌ترین سوءاستفاده‌ها از حقوق بیگانگان مقیم یک کشور. تقریباً تمامی دولتهای امضاکننده بیانیه با طیب‌خاطر پشت ماده ۲ (۷) منشور سازمان پناه گرفتند، چه این ماده تأیید می‌کرد که تمامی موارد دیگر رعایت حقوق بشر به امور داخلی کشورها مربوط است. یک کمیسیون حقوق بشر نیز تأسیس شد که کاملاً تحت سیطره دولتها بود و کار آن اساساً به نوشتن معاهده‌های جدید و سایر اسناد حقوقی محدود می‌شد. در مقابل، دولتها در سال

فیلیپ آلستن (Ph. Alston)
از استرالیا، مدیر مرکز حقوق بین‌المللی و عمومی در دانشگاه ملی استرالیا، رئیس کمیته سازمان ملل برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و استاد حقوق است. او مؤلف کتابهای بسیاری است، از آن جمله بهترین ملایق کودک: آشنی فرهنگ و حقوق بشر (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۴). به‌علاوه، او ویراستار انگلیسی کتاب ایجاد بین‌المللی حقوق بشر (۲ جلد، انتشارات پونسکو، ۱۹۸۲) بوده است.

راست. کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (اتریش) از ۱۳ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳، به دعوت سازمان ملل.

قدرت روزافزون و کارایی رویه‌های کمیسیون مخالفت می‌ورزند و گاهی نیز به شیوه‌ای خشونت‌آمیز به عملکردهای کمیسیون اعتراض می‌کنند.

سازمان ملل به تازگی در مدیریت برنامه‌های اجرایی حقوق بشر مشارکت فعالانه‌ای داشته است. این برنامه‌ها در کشورهای چون السالوادور، کامبوج، هائیتی، رواندا و بروندي، از اهمیت و گستردگی بی‌سابقه‌ای برخوردار بوده است. برگزاری انتخابات آزاد که نخستین نمونه آن در سال ۱۹۸۹ در نامیبیا انجام شد، اینک به یکی از وظایف اصلی سازمان ملل بدل شده است. به علاوه، در بسیاری از کشورها کمک‌هایی فنی در عرصه حقوق بشر ارائه شده است. در ۱۹۹۳، کنفرانس جهانی وین (اتریش) پیرامون حقوق بشر آشکارا حقوق زنان را به رسمیت شناخت، حقوقی که تا آن زمان، به طرزی فاحش نادیده گرفته شده، اما از آن پس به یک اولویت مهم بدل شده است. سال بعد، کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر تشکیل شد. مختصر آنکه نظام بین‌المللی دفاع از حقوق بشر از چنان رشد چشمگیری در سالهای اخیر برخوردار بوده است که برای اکثر ناظران سال ۱۹۴۵ و پایان جنگ جهانی دوم حتی قابل تصور نبود.

مبارزه برای جهانی کردن حقوق بشر

یکی از بزرگترین مبارزه‌هایی که نظام بین‌المللی حقوق بشر پس از پایان جنگ سرد پیش‌رو دارد، تأکید بی‌چون و چرای بر جهانی بودن حقوق بشر است. به هنگام تهیه پیش‌نویس بیانیه جهانی حقوق بشر، بسیاری از کشورهای جهان سوم هنوز به استقلال دست نیافته بودند و در نتیجه، در تهیه آن دخالتی نداشتند. در سال ۱۹۶۶، بسیاری از کشورها در تصویب دو معاهده بین‌المللی شرکت داشتند، اما امکان بحث و مبادله عینی فرهنگی در این زمینه عقیم ماند، چون فضای حاکم ناشی از جنگ سرد بسیاری از کشورها را وامی‌داشت تا در یکی از دو اردوگاه ایدئولوژیک شرق یا غرب جای بگیرند. در پایان دهه هشتاد، بحثی پویا بر سر اینکه آیا حقوق بشر به‌راستی از خصوصیتی جهانی برخوردار است یا به بافت اجتماعی خاص هر جامعه بستگی دارد، درگرفت. از

تصویب کردند. از همین‌رو، بنا به یک ارزیابی که در سال ۱۹۷۶ یعنی کمتر از بیست سال پیش، درمورد موفقیتها و چشم‌اندازهای سازمان ملل در زمینه حقوق بشر انجام شد، وضعیت چندان خوش‌بینانه نبود.

از نظریه تا عمل

اما از آن زمان به بعد، پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است. اصول بیانیه جهانی حقوق بشر عملاً در تمامی کشورهای عضو سازمان ملل به اجرا درآمد و به موضع‌گیری رسمی این کشورها درمورد اساسنامه حقوقی بیانیه توجهی نشد. در واقع، جامعه بین‌المللی نظر مثبتی نسبت به این باور که دفاع از حقوق بشر یک مسئله کاملاً ملی است، ندارد، هرچند هنوز هم دولتها گاهی به این حربه متوسل می‌شوند.^۲ بیانیه جهانی حقوق بشر با یک سلسله متون بین‌المللی تکمیل شد که در این میان، ۶ معاهده و میثاق «اصلی» از مهمترین متون هستند، از آن جمله دو معاهده، یکی درمورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگری درمورد حقوق مدنی و سیاسی، و همچنین میثاقهایی درمورد تبعیض نژادی، تبعیض جنسی، شکنجه و حقوق کودکان. سازمان ملل شش هیئت نمایندگی، متشکل از حقوقدانان متخصص، و نیز مکانیسم‌هایی پیچیده را برای نظارت بر رعایت الزامها و تعهدها از سوی دولتها ایجاد کرده است. افزون بر این، معاهده‌هایی منطقه‌ای در اروپا، امریکا و افریقا با سازوکارهای اجرایی خاص خود وجود دارد.

در اواسط دهه شصت میلادی، کمیسیون حقوق بشر درمقابل نقض حقوق بشر، هرچند درموردی بسیار محدود؛ واکنش نشان داد. از سال ۱۹۷۹ بدین‌سو، به تدریج و دائماً بر شمار کشورهای تحت نظر کمیسیون حقوق بشر افزوده شد و بُرد و کارایی رویه‌های تحقیق و بررسی کمیسیون بسط و گسترش یافت. به علاوه، سازمانهای غیردولتی و خودقربانیان نقض حقوق بشر روز به روز بر مشارکت خود در فعالیت هیئتهای کمیسیون حقوق بشر و زیرکمیسیونهای آن افزوده‌اند. درمقابل، بسیاری از دولتها که به‌منظور تأثیرگذاری بر گفتگوهای کمیسیون، در نشستهای آن شرکت می‌کنند، با

مردم موزامبیک در انتظار دادن رأی. این رأی‌گیری در اکتبر ۱۹۹۳ و تحت نظارت سازمان ملل در کشور موزامبیک برگزار شد.



تظاهرات سرخپوستان امریکای شمالی در برابر ساختمان سازمان ملل در وین. به هنگام برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۳).



شب‌زنده‌داری با شمعهای روشن
در نیویورک (ایالات متحد) به هنگام
کنفرانس سران ملت‌ها برای کودکان
در مقر سازمان ملل متحد،
در سپتامبر ۱۹۹۰.
یونیسف سازماندهی این گردهمایی را
برعهده داشت.

سازمان وحدت افریقا و سازمان ایالت‌های امریکا بهره‌مند شوند. همچنین باید هماهنگی بیشتر و بهتری در سطح جهانی داشته باشند و انتقادهای خود را به شیوه‌ای مرتب‌تر مطرح کنند. این سازمانها موظف‌اند به منزله یک گروه، توجه و دقت بیشتری نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبذول کنند. درحقیقت، بسیاری از سازمانهای مهم غیردولتی کاری جز طرح صوری این حقوق نمی‌کنند.

انطباق گفتار با کردار

گرچه در پنجاه سال گذشته، تلاشهای بسیاری انجام شده است اما همچنان تلاشهای بی‌شماری پیش‌روی ماست. در سالهای آینده، دولت‌ها باید گفتارهای زیبایشان را به عمل درآورند. برنامه سازمان ملل برای حقوق بشر بودجه بسیار کمی دارد و به‌روشنی از انجام وظایف خود ناتوان است. به‌رغم تمامی بیانیتهای پرطمطراق سازمان ملل، بسیاری از دولت‌ها همچنان حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان خود را به ریشخند می‌گیرند. در نتیجه، مشکلات نگران‌کننده‌ای چون سوء تغذیه حاد، نبود آب آشامیدنی، فقر، نبود بهداشت و آموزش و مسکن در زمره مسائل حقوق بشر جای نمی‌گیرد. چنین رویکردی، چه از لحاظ اخلاقی و چه از لحاظ حقوقی، مردود است و دولت‌ها و جامعه بین‌المللی باید تعهدهای خود را جدی بگیرند. در این راستا، گام نخست و هدف اصلی تصویب شش میثاق و معاهده اساسی حقوق بشر است. به‌علاوه، مکانیسمهای نهادی نیز باید تقویت شوند تا به دولت‌ها در رعایت کامل حقوق بشر شهروندانشان یاری رسانند یا در صورت لزوم، آنان را به این کار وادارند، دقیقاً همان‌گونه که دولت‌ها با امضای منشور سازمان ملل به این کار متعهد شده‌اند.

همین‌رو، کنفرانس وین^۲ بار دیگر بر این نکته تأکید کرد که «جای هیچگونه شک و تردیدی در ارزش جهانی حقوق بشر و آزادیهای فردی نیست». گرچه این تأکید مهم است اما موجب آن نمی‌شود که ویژگیهای فرهنگی هر جامعه و ضرورت توجه به آنها نادیده گرفته شود.

جدا از تأکید بر حقوق اساسی فرد یعنی تمامیت و کمال مادی و معنوی او، باید ماهیت سنتها و فرهنگ هر جامعه را در نظر گرفت. بدین ترتیب می‌توان رعایت حقوق فرد را گسترش داد و از آن حمایت کرد و این حقوق را در برابر برخی عاداتها به کار بست. باید رویکرد سرسختانه علیه نقض حقوق بشر را با روشی انعطاف‌پذیرتر و بازتر همراه و تکمیل کرد تا بتوان هدفهای قابل‌قبولی را در هر جامعه تعریف و تبیین کرد. حق دموکراسی مثال خوبی در این مورد است. اگر برخلاف رویکردی که بسیاری از کشورها تاکنون در پیش گرفته‌اند، یک رویکرد تحقیقی‌تر، آگاهانه‌تر و انتخابی‌تر در پیش گرفته شود، آنگاه مبارزه برای حقوق بشر در آینده پر بار و غنی و بدون مخاطره خواهد بود. درک این نکته بسیار مهم است که برخی از این حقوق ممکن است محل تعارض باشد و برای حل این تعارضها، باید با دیدی آزاداندیشانه‌تر و در جهت درک متقابل تلاش کرد و گرایشها و ارزشهای مختلف را در نظر گرفت.

خطر نسبی‌گرایی

از سوی دیگر، لازم است که ادعای نسبی‌گرایی را در مورد مسائل فرهنگی، فلسفی و دینی موشکافی کنیم. بسیاری از این ادعاهای نسبی‌گرایی از نگرش کلی‌مسلكانه و منفعت‌جویانه دولت‌هایی برمی‌خیزد که می‌خواهند این باور را القا کنند که شهروندانشان نه نیازی و نه تمایلی به دفاع از حقوقشان دارند. سازمانهای غیردولتی نقشی اساسی در توسعه نظام بین‌المللی حقوق بشر و استقرار ملی آن دارند. این سازمانها نه تنها در تهیه پیش‌نویس بسیاری از معیارها و ضوابط بین‌المللی مشارکت دارند، بلکه پیوسته توجه و حساسیت آرای عمومی را نسبت به حقوق بشر جلب می‌کنند، دولت‌ها را زیر فشار می‌گذارند تا به تعهدهای خود عمل کنند و با گردآوری و ارائه اسناد، دولت‌های دیگر را وامی‌دارند تا در برابر نقض آشکار حقوق بشر واکنش نشان دهند. این سازمانها همواره آماده‌اند تا در شرایطی که حقوق بشر در مخاطره است، دست به کار شوند. سازمانهای غیردولتی اغلب به دست قدرتهای حاکم سرکوب و منحل می‌شوند و همین امر گواه توان و کارایی آنهاست.

با این همه، سازمانهای غیردولتی باید دست به تلاشهای بسیاری زنند. آنها باید از امکانات بیشتری در عرصه همکاری و مساعدت به تلاشهای بین‌المللی مانند فعالیت سازمان ملل، برنامه سازمان ملل برای توسعه، بانک جهانی،

۱. «هیچ یک از مفاد منشور حاضر به سازمان ملل اجازه نمی‌دهد تا در لوری که اساساً در حیطه صلاحیت ملی دولت‌هاست دخالت کند...»
۲. عملکردهای دوگانه و انتخابی سازمانهای مدافع حقوق بشر یکی از مهمترین عوامل ایجاد تردید جدی در مورد ماهیت چنین سازمانهایی در میان کشورهای جهان سوم بوده است.
۳. نگاه کنید به «حقوق بشر: راهی دراز» در شماره مارس ۱۹۹۴ پیام پونسگو.